

ارتش ایالات متحده تأیید کرد در پی حمله روز جمعه ایران به یک پایگاه نظامیان آمریکایی در اردن دو نظامی آمریکایی کشته شدند. از زمان حملات آمریکا و اسرائیل علیه ایران در ماه فوریه، مرگ شانزده پرسنل نظامی آمریکایی طی این جنگ به طور رسمی تأیید شده است. فرماندهی مرکزی ایالات متحده اعلام کرده که یک سرباز دیگر در نتیجه این حمله مفقود شده است. به گفته سنکتام، در اثر این حملات، چهار سرباز آمریکایی به بیمارستان های اردن منتقل شده‌اند.

تغییر تاکتیک ایرانی

در این رابطه، یک مقام آمریکایی به روزنامه نیویورک تایمز گفته حادثه اخیر ناشی از حملات توسط موشک های بالستیک ایرانی بوده که به صورت رگباری به یک پایگاه نظامی در اردن شلیک شده‌اند. به نوشته اکوایران، این مقام مدعی شده که طی این حملات چندین موشک ایرانی سرنگون شده‌اند، اما حداقل یکی از آنها از دفاع هوایی ایالات متحده واردن عبور کرده است. این مقام رسمی گفت که دو سرباز آمریکایی کشته شده، سربازان فعال ارتش بودند. به گفته این مقام رسمی، در روزهای اخیر، ایران تاکتیک‌های خود را برای حمله به پرسنل آمریکایی در پایگاه‌های منطقه تغییر داده و از ترکیبی از موشک‌های بالستیک میان برد و پهپاد‌های تهاجمی یک طرفه برای غلبه بر سیستم‌های دفاع هوایی استفاده کرده‌است. پیش از این، ۶ سرباز ارتش آمریکا در جریان حمله اول مارس به بندر شعبیه در کویت کشته شدند. یکی دیگر از اعضای ارتش بر اثر جراحات وارده در حمله اول مارس به پایگاه هوایی شاهزاده سلطان در عربستان سعودی درگذشت و شش پرسنل نیروی هوایی نیز در اثر سقوط یک جت سوخت‌گیری هوایی KC-۱۳۵ در غرب عراق در ۱۲ مارس جان باختند. آخرین مورد مرگ اعلام شده آمریکایی‌ها در این جنگ، خلبان یک هلیکوپتر نیروی دریایی بود که پس از فرود اضطراری در دریای عرب در اول ژوئیه، مفقود اعلام شد. مقامات آمریکایی در گفت‌وگو با وال اس‌تیریت ژورنال هم تأیید کرده‌اند که جنگنده‌ها و هواپیماهای بدون سرنشین نیز در این حمله مورد اصابت قرار گرفتند. به گفته مقامات آمریکایی، ایران با پدافند‌های ایالات متحده سازگار شده است و موشک‌هایی شلیک می‌کند که با سرعت بسیار بالایی حرکت می‌کنند و می‌توانند هنگام حرکت به سمت زمین تغییر مسیر دهند. به گفته این مقامات، توانایی ایران در هدف قرار دادن اهداف حساس، نگرانی‌هایی را مبنی بر دریافت کمک‌هایی در هدف‌گیری از چین یا روسیه ایجاد کرده‌است.

آزمون خویشتن‌داری

مرگ نیروهای آمریکایی که اولین مورد از زمان آتش‌بس در اوایل ماه آوریل است، خویشتن‌داری ترامپ را در بحبوحه تبادل آتش فرانیزه بین ایالات متحده و ایران آزمایش خواهد کرد. رئیس‌جمهور آمریکا پیش از این گفته بود که اگر ایران نیروهای آمریکایی را بکشد، بازگشت به جنگ را بررسی خواهد کرد. بیت هگست، وزیر دفاع، روز شنبه گفت که از دست دادن این نیروها، عزم ایالات متحده در ارجزم‌تر می‌کند. به گفته مقامات آمریکایی، حمله ایران در پایگاه هوایی موفق السلطی رخ داد، جایی که جنگنده‌های ایالات متحده از آن برای عملیات علیه ایران استفاده کرده‌اند. سنکتام اعلام کرد که تلفات نیروهای آمریکایی در حالی رخ داد که نیروهای آمریکایی و شرکای آن در حال دفاع در برابر حملات موشکی و پهپادی بودند. ایران بارها با موشک‌های بالستیک و پهپاد‌ها به این پایگاه حمله کرده است. به گفته دو مقام آمریکایی، این پایگاه در اوایل این هفته در حمله دیگری مورد اصابت قرار گرفت و نیروهای آمریکایی جراحات جزئی برداشتند. پایگاه هوایی اردن که توسط سامانه ضد موشکی تاد محافظت می‌شود، قبلاً مورد حمله قرار گرفته است، اگرچه هیچ نظامی قبلاً در آنجا کشته نشده بود. یک رادار تاد که از این پایگاه دفاع می‌کرد، در حمله پهپادی ایران در ماه مارس آسیب دید و ایالات متحده را وادار به جایگزینی این قطعه کرد. این حمله در حالی انجام می‌شود که ایالات متحده هواپیماهای جنگی بیشتری را به منطقه اعزام می‌کند. جنگنده‌های اف-۱۶ آمریکایی از پایگاه هوایی اشپانگه‌الم در آلمان در حال استقرار هستند. جنگنده‌های اف-۲۵ آمریکایی پنهان‌کار نیز از پایگاه هوایی بریتانیا در لکهنیت انگلستان به خاورمیانه اعزام می‌شوند. تانک‌های سوخت‌رسانی هوایی نیز به سمت منطقه در حرکت هستند. در حالی که به نظر می‌رسد هر دو طرف مصمم به ادامه جنگ هستند، اما در طول هفته گذشته از بازگشت به جنگ تمام عیارا اجتناب کرده‌اند. تحلیلگران نگرانند که افزایش مداوم تنش‌ها می‌تواند باعث تشدید اوضاع شود. با این حال، به نظر می‌رسد طرفین استفاده از زور را برای شکستن بن‌بست کنونی افزایش داده‌اند. این درگیری به یک تبادل آتش مرگبار برای کشتیرانی تبدیل شده، ترافیک در تنگه را مختل کرده و قیمت نفت را به شدت افزایش داده است. ادامه اختلافات در این آبراه، که مسیر عبور یک پنجم نفت جهان است، می‌تواند ذخایر جهانی نفت را به سطوح خطرناکی برساند.

«آرمان ملی» بیانیه اخیر رهبر انقلاب را بررسی می‌کند

توصیه ارشادی؛ حمایت از مسئولان

◀ قدردانی پزشکيان وقالبياف از حمايت رهبري



زننده‌ای با این مسئولان کشور انجام دادند. یاد مرشد تندروها چه نوع مواجهه‌ای با اقدامات، اظهارات و تحرکات اینها فراهم شود. به عنوان مثال در زمان انسجام برجام و پس از آن آنقدر به تخریب مسئولان وقت از جمله رئیس‌جمهور، وزیر خارجه و هیات مذاکره کننده پرداختند تا نهایتاً مقصود نظرشان حاصل شد و شخصی مشابه تفکر آنها یعنی ترامپ در آمریکا به قدرت رسید و از توافقی خارج شد. جالب اینکه تندروها در هر کجای جهان هم که باشند رویکرد و نگاه یکسانی دارند. چه اینکه به طور کلی روحیه جنگ طلبی دارند و هیچگاه صلح و آرامش را به جنگ ترجیح نمی‌دهند و بیش از اینکه دنبال تفاهم و توافقی باشند از برهم‌زدن یک تفاهم و توافق لذت می‌برند. مثل شخص ترامپ که تفاهم را نیز برای برهم‌زدن آن امضا می‌کند. جالبی اینکه تندروها در ایران فقط به انتقاد بسنده نمی‌کنند و کار اصلی آنها بیشتر حول محور تخریب مسئولان می‌گردد. کاری که در آن خبره هستند و از دهه‌ها قبل در تخریب شخصیت‌ها و مسئولان بی‌طولایی دارند. همین اخبار در جریان تشییع رهبری شهید انقلاب که همواره منادی وحدت و انسجام بودند و جریانات سیاسی و جامعه‌را از اختلاف، تفرقه و دو قطبی برحذر می‌داشتند شاهد بودیم که جریان افراطی و رادیکال چه نوع برخوردی با مسعود پزشکیان؛ رئیس‌جمهور سید عباس عراقچی؛ وزیر امور خارجه داشتند و چه اهانت‌ها و برخورد‌های

از توصیه تا برخورد

بسیاری از سیاسیون و صاحب‌نظران وقتی در قبال تحرکات تندروها موضع‌گیری می‌کنند یک سخن واحد را نیز مطرح می‌کنند و آن لزوم برخورد قاطع و بازدارند با افراد و جریانات افراطی و رادیکال است. این برخورد نیز صورت نخواهد گرفت مگر از سوی نهاد‌های امنیتی و قضایی که می‌توانند با این نوع مواجهات از ایجاد هزینه‌های بیشتر از سوی تندروها جلوگیری کنند. هرچند که تاکنون همه برخورد‌ها ارشادی و توصیه‌ای بوده است؛ اما به نظر می‌رسد که اگر جریان خاصی بخواهد در مسیر انداختن سنگ تفرقه و اختلاف افکنی در جهت از بین بردن انسجام ملی حرکت کند دیگر مماشاتی در کار نباشد و برخورد‌های قاطعی صورت گیرد. چنانکه اخیراً صفر جایگزین سنگگوی قوه قضائیه با تأکید بر اینکه حفظ وحدت و انسجام ملی تحت رهبری مقام معظم رهبری از خطوط

قرمز دستگاه قضائی است، گفت: «هرگونه اقدام یا رفتاری که به تضعیف وحدت ملی، قوای سه‌گانه یا نیروهای مسلح منجر شود، در صورت تداوم پس از تذکر، با برخورد قانونی دستگاه قضائی مواجه خواهد شد. دشمن پس از ناکامی در میدان جنگ، تلاش می‌کند از طریق جنگ نرم، اختلاف‌افکنی و ایجاد دو قطبی‌های کاذب، اهداف خود را دنبال کند. همه باید مراقب باشند زمینه‌شکل‌گیری دو قطبی‌های کاذب در جامعه فراهم نشود، زیرا این روند در تضاد با وحدت و انسجام ملی است. هر صادیی که موجب تضعیف قوای سه‌گانه یا نیروهای مسلح شود، در راستای خواست دشمن ارزیابی می‌شود و نباید به آن دامن زده شود».

پیام رهبر انقلاب

امام خمینی (ره) بنیانگذار انقلاب اسلام و همچنین آیت‌... خامنه‌ای رهبری شهید انقلاب همواره بر عدم تخریب مسئولان نظام و لزوم حمایت از آنها تأکید داشتند و در هر مقطعی حمایت‌های خود را از مسئولان مختلف در مناصب مختلف نظام دریغ نمی‌کردند. رهبر انقلاب نیز همین مبنا را نصب العین قرار داده و در خصوص حملات و تخریب‌های اخیر علیه مسئولان در مقام حمایت از آنها برآمده‌اند. چنانکه غروب شنبه ۱۲ شهریور در مشهد گفت: «اگر ما در این حکم شرعی و ملی رهبر معظم انقلاب را بخش مهمی از نقش آفرینی تاریخی خود در این مقاومت ملی و در اداره کشور تلقی کنیم.

سید عباس عراقچی؛

نمی‌شود با سرنوشت کشور و مردم قمار کرد

تصمیم‌گیری در این موضوع با من یا شما نیست. خوب هم هست که تصمیم‌گیری با من نیست. همه چیز از تصور ایران ضعیف شروع شد. طرف مقابل فکر می‌کرد ایران بازدارندگی منطقه‌ای خود را از دست داده و برای جبران آن به سمت بازدارندگی هسته‌ای پیش خواهد رفت و لذا باید تجهیزات هسته‌ای آن را از بین برد. با این تصور، جنگ ۱۲ روزه آغاز شد، هرچند پیش از آن نیز دو، سه بار شرایط تا آغاز جنگ پیش رفتی بود که به علت فعالیت‌های دیپلماتیک و ایجاد نگرانی بابت جنگ در منطقه، جلوی آن را گرفتیم. طرف مقابل دیپلماسی را امتحان کرد و از اول هم بر غنی‌سازی صفر تأکید داشت. مادر این زمینه مقاومت کردیم و وقتی دیدند از طریق مذاکره نمی‌توانند به این خواسته خود برسند، جنگ را شروع کردند. بنابراین ایستادگی ما بر مواضع خود مان در مذاکره، باعث شد طرف مقابل جنگ را امتحان کند که شکست خورد. وزیر خارجه در پاسخ به این سخنان که اگر مقاومت در جنگ ۱۲ روزه را ادامه می‌دادیم، جنگ ۴۰ روزه رخ نمی‌داد، گفت: این تصور در طرف مقابل هم وجود دارد که اگر جنگ ۱۲ روزه را ادامه می‌دادید به نتیجه می‌رسیدید. چون جنگ ۱۲ روزه و درس‌های آن باعث شد ما قوی‌تر و آماده‌تر برای جنگ بعدی شویم. ما از جنگ ۱۲ روزه درس‌های نظامی زیادی گرفتیم، درس‌های سیاسی هم گرفتیم، اما درس‌های نظامی بسیار مهمی به دست آوردیم. اولاً تصمیم برای خاتمه جنگ، یک تصمیم جمعی بود، شورای عالی امنیت ملی این تصمیم را گرفت و مصوبات شورای عالی امنیت ملی نیز مشخص است که در چه زمانی اجرایی شوند. عراقچی افزود: از روز چهارم جنگ ۴۰ روزه، یکی از اندیشکده‌های آمریکایی تحلیلی منتشر کرد و گفت روزانه بین ۱۰ تا ۲۵ درصد از لنتچ‌های ایران از بین می‌رود و تا پایان اسفند، ایران حداکثر می‌تواند توان شلیک خود را حفظ کند. این ارزیابی بر چه اساسی بود؟ بر اساس تجربه آنها از جنگ ۱۲ روزه. اما غافل از اینکه در این ۸ ماه، سیستم لنتچری ایران کاملاً تغییر کرده بود و به شکلی درآمده بود که هرچه آنها هم قرار می‌دادند، جایگزین می‌شد. این فقط یکی از اقداماتی بود که در این مدت انجام شده بود. در جنگ ۱۲ روزه هم ما با توجه به میزان تاب‌آوری‌های خودمان و تاب‌آوری اجتماعی، چون خودمان نیز برای جنگی با این شکل و ابعاد آماده نبودیم، تصمیم گرفتیم که متوقف شویم.

ادامه در صفحه ۷

گزارش

«آرمان ملی» از ماهیت تفاهمنامه اسلام آباد

گزارش می‌دهد

فرصتی برای بازیابی و بازآرایی



آرمان ملی- عماد موحّد: برخی ناظران که اغلب در سمت مخالفان دولت قرار دارند، برهم خوردن تفاهمنامه اولیه اسلام‌آباد را که بین ایران و آمریکا امضا شده بود، به عنوان نقطه ضعف دولت پزشکیان و تبیم مذاکره‌کننده به ریاست محمدباقر قالیباف در نظر گرفته و با این عنوان که وارد شدن به چنین تفاهمی از ابتدا اشتباه بوده، دولت و تبیم مذاکره‌کننده را تخطئه می‌کنند. مساله‌ای که در این بین وجود دارد این است که در یک ماهی که از انعقاد تفاهمنامه اولیه می‌گذرد، تا قبل از آغاز دوباره درگیری، ایران نتوانست از فرصت لغو تحریم‌های نفتی استفاده کرده و بخشی از نفت صادراتی خود را برای فروش آماده کند. در عین حال کاستی‌ها و نیاز انبار‌ها برای کالاهای ضروری برطرف شد و حالا برای ادامه مسیر مبارزه، آمادگی بیشتری وجود دارد. آنهایی که این موضوع را از چشم دولت پزشکیان می‌بینند فراموش کرده‌اند که طرف مقابل چه کسی بوده است. اگر هم گفته شود که با اطلاع از شخصیت چنین فردی، چرا تفاهمنامه اولیه با او امضا شد، پاسخ روشن است. امضای تفاهمنامه اولیه در حالی که چند کشور در حال میانجی‌گری بودند و اولیه امضا در نشست گروه هفت و در حضور سران دیگر کشورها صورت گرفت، بیش از آنکه موجب ضعف ایران باشد، موجب بی‌اعتباری بیشتر آمریکا و شخص دونالد ترامپ شده است.

چند خروج آمریکایی!

آمریکای دوران ترامپ نشان داده که چه اندازه برای امضای خود ارزش و اعتبار قائل است و دقیقاً به دلیل وجود چنین سابقه‌ای است که رهبر انقلاب به درستی اشاره می‌کند که امضای ترامپ ارزشی ندارد. سیاست خارجی دولت ترامپ بر پایه شعار «اول آمریکا» شکل گرفت؛ رویکردی که بر اولویت دادن به منافع ملی ایالات متحده، کاهش تعهدات بین‌المللی و بازنگری در توافقی‌هایی استوار بود که از نگاه دولت ترامپ، هزینه‌های سنگینی بر آمریکا تحمیل می‌کردند یا با منافع راهبردی این کشور همخوانی نداشتند. این سیاست موجب شد آمریکا در دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ و بار دیگر پس از آغاز دوره دوم ریاست جمهوری او در سال ۲۰۲۵، از چندین توافق، معاهده و نهاد بین‌المللی خارج شود یا روند خروج از آن‌ها را آغاز کند. یکی از مهم‌ترین این موارد، توافق اقلیمی پاریس بود. ترامپ در سال ۲۰۱۷ اعلام کرد که این توافق، اقتصاد آمریکا و بهره‌های صنایع انرژی و زغال‌سنگ را متضرر می‌کند و محدودیت‌های ناعادلانه‌ای تولید و اشتغال در این کشور تحمیل می‌کند. اگرچه خروج رسمی آمریکا در سال ۲۰۲۰ اجرایی شد، دولت جو بایدن مجدداً به این توافق پیوست؛ اما ترامپ پس از بازگشت به کاخ سفید در سال ۲۰۲۵ بار دیگر فرمان خروج از این توافق را صادر کرد. دومین اقدام مهم، خروج از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در سال ۲۰۱۸ بود. دولت ترامپ این توافق را «بدترین توافق تاریخ آمریکا» توصیف کرد و معتقد بود که محدودیت‌های اعمال شده بر برنامه هسته‌ای ایران موقتی است و فعالیت‌های موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران را در بر نمی‌گیرد. پس از خروج آمریکا، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران مجدداً برقرار شد و روند دیپلماسی هسته‌ای با چالش‌های جدی مواجه گردید. در حوزه کنترل تسلیحات، دولت ترامپ از پیمان نیروهای هسته‌ای میان برد نیز خارج شد. این پیمان که از سال ۱۹۸۷ میان آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق برقرار بود، تولید و استقرار موشک‌های هسته‌ای میان برد را ممنوع می‌کرد. واشنگتن روسیه را به نقض مفاد این پیمان متهم کرد و خروج از آن را اقدامی ضروری برای حفظ امنیت ملی خود دانست. اندکی بعد نیز آمریکا از پیمان آسمان‌های باز خارج شد؛ توافقی که امکان انجام پروازهای شناسایی غیرمسحله‌انه بر فراز کشورهای عضو برای افزایش شفافیت نظامی فراهم می‌کرد.

عنوانی به نظم بین الملل

در کنار این معاهدات، ترامپ سیاست فاصله‌گرفتن از برخی نهاد‌های بین‌المللی را نیز دنبال کرد. در سال ۲۰۱۸ ایالات متحده از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد خارج شد و این شورا را به جانبداری سیاسی و برخورد ناعادلانه با اسرائیل متهم کرد. همچنین آمریکا از سازمان امنیت، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) نیز خارج شد؛ اقدامی که دولت ترامپ آن را ناشی از اختلافات سیاسی و نگرانی نسبت به نحوه مدیریت این سازمان عنوان کرد. یکی دیگر از مهم‌ترین تصمیمات اعلام خروج از سازمان جهانی بهداشت (WHO) در سال ۲۰۲۰ و سپس تکرار این تصمیم در آغاز دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ بود. دولت ترامپ عملکرد این سازمان در مدیریت همه‌گیری کووید-۱۹ را ناکارآمد ارزیابی کرده و آن را به جانبداری از چین متهم می‌کرد. هرچند دولت بایدن خروج آمریکا را متوقف کرد، اما دولت دوم ترامپ بار دیگر روند خروج را آغاز کرد. علاوه بر این موارد، دولت ترامپ در سال ۲۰۲۵ با صدور یک یادداشت ریاست جمهوری، خروج یا توقف مشارکت آمریکا در ده‌نهاد، سازوکار و برنامه بین‌المللی را اعلام کرد. این اقدام در راستای کاهش تعهدات چند جانبه و تمرکز بر سیاست خارجی مبتنی بر منافع ملی آمریکا صورت گرفت و دامنه آن شماری از سازمان‌ها و چارچوب‌های وابسته به سازمان ملل را نیز در بر گرفت. در مجموع، سیاست خروج از معاهدات و نهاد‌های بین‌المللی یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های سیاست خارجی دونالد ترامپ به شمار می‌رود. از این زاویه تفاهمنامه اولیه نه تلاشی قطعی برای رفع خصومت، که فرصتی برای بازیابی توان و امکانات بوده است.